

مقایسه‌ی سویه‌های متفاوت رضامندی از زنده‌گی زناشوئی در زنان شاغل و خانه‌دار

دکتر اشرف‌سادات موسوی

استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا

چکیده

از دیدگاه سامانه‌ی، زن و شوهر زیرسامانه‌ی والدین را می‌سازند. کارکرد مطلوب خانواده در گرو کارآمدی این زیرسامانه است. رضایت زن و شوهر از پیوند دوسویه بین‌فردی آنان به رشد و شکوفائی آنان و نیز فرزندان‌شان کمکی شایان می‌کند. در این پژوهش، رضامندی از زنده‌گی زناشوئی در سویه‌های گوناگون آن و کیفیت پیوند زناشوئی در زنان شاغل و خانه‌دار مقایسه شده‌است.

نمونه‌ی آماری پژوهش دربرگیرنده‌ی ۴۰۰ زن از شهر تهران بود که در پنج سال گذشته ازدواج کرده و از این میان، ۲۰۰ نفر شاغل و ۲۰۰ نفر خانه‌دار بودند. برای گردآوری داده‌ها، هم‌زمان پرسش‌نامه‌ی وضعیت زناشوئی گلوبوک-راست و پرسش‌نامه‌ی رضامندی زناشوئی/تربیح به کار گرفته‌شد. داده‌های به‌دست‌آمده با روش‌های آمار توصیفی و آزمون T بررسی شد. یافته‌ها نشان داد که در زنان شاغل رضامندی زناشوئی در چندین سویه از زنان خانه‌دار بهتر و عوامل تهدیدکننده‌ی ازدواج در آنان از زنان خانه‌دار کم‌تر است. این نشان می‌دهد که زنان شاغل مشکلات کم‌تری در زمینه‌ی تحریف آرمانی و مسائل شخصیتی شوهر خود دارند و پیوند آنان با همسرشان نیرومندتر است. هم‌چنین، زنان شاغل از پیوند جنسی‌شان راضی‌تر بودند. از این گذشته، در محیط خانه نقش‌های زن و شوهر به هم نزدیک‌تر شده و ساختار خانواده در حال دگرگونی به سوی مشارکت بیش‌تر بود. به هر رو، رضایت از وضع زنده‌گی زناشوئی در میان زنان بررسی‌شده پائین بود (شاغل ۱۶/۵ و خانه‌دار ۲۳/۵) که این نیازمند توجه و کمک بیش‌تر است.

واژه‌گان کلیدی

زنان؛ شاغل؛ خانه‌دار؛ رضامندی زناشوئی؛ وضعیت زناشوئی؛

ازدواج فرآیندی است که کنش دوسویه‌ئی میان دو تن (یک زن و یک مرد) را با تحقق شرایط قانونی پدید می‌آورد (سیجر^۱ ۱۹۷۶). ازدواج نه تنها در سلامت جسمی، روانی، و اجتماعی فرد مؤثر است، بلکه در گذار به دوره‌ی بزرگسالی نقشی بنیادی دارد. بر پایه‌ی روی‌کرد سامانه‌ئی^۲، ازدواج آغاز چرخه‌ی زنده‌گی خانواده به شمار می‌رود (موسوی ۱۳۸۲).

خانواده‌ی متعادل و سالم بر ازدواجی موفق پایه گذارده‌می‌شود. در زنده‌گی مشترک، زن و شوهر باید نقش‌هایی نو و متفاوت بپذیرند و خود را با آن هم‌آهنگ سازند. در مراحل متفاوت چرخه‌ی زنده‌گی، عوامل گوناگونی بر شیوه‌ی پیوند همسران و در نتیجه، بر سطح رضایت زناشویی اثر می‌گذارد (کرو و ریدلی^۳ ۱۳۸۴). رضامندی زن و شوهر از زنده‌گی زناشویی، خانواده را استوار می‌سازد و آن را از آسیب‌ها در امان نگاه می‌دارد. اما اگر زن و شوهر، هم‌چون ستون‌های بنیادی خانواده، از زنده‌گی زناشویی خود راضی نباشند، بنیان چنین خانواده‌ئی اندک اندک سست خواهد شد.

اهمیت و ضرورت

هم‌آهنگی میان همسران، محیطی مناسب برای بالنده‌گی و شکوفائی فردی آنان فراهم می‌آورد. برعکس، اختلاف‌های حل‌نشده باعث نارضایتی در زنده‌گی زناشویی می‌شود که اثر منفی بر رشد فردی زن و شوهر دارد و زمینه‌ساز محیطی نامناسب برای رشد فرزندان است (ستیر^۴ ۱۳۷۸). زیربنای اختلاف‌ها و درگیری‌های زناشویی یک‌سان نیست و این درگیری‌ها می‌تواند تهدیدی برای بقای خانواده باشد. اختلاف‌های حل‌نشده بر کارکرد خانواده تأثیری منفی می‌گذارد و سامانه را ناکارآمدی خواهد کرد.

متأسفانه، بررسی اطلاعات موجود، نشان‌دهنده‌ی افزایش روزافزون آمار طلاق در جامعه‌ی ایران، به‌ویژه در شهرها است (موسوی چلک ۱۳۸۲). تصمیم به جدائی زن و شوهر اثری بد بر خود آنان و اعضای خانواده دارد. افزایش طلاق در خانواده‌ها، اهمیت پرداختن به این موضوع و تأثیر آن بر اعضای خانواده را پررنگ‌تر می‌سازد (بری^۵ ۱۹۹۱؛ هترینگتون، کاکس، و کاکس^۶ ۱۹۸۵).

¹ Sager, Clifford J.

² Systematic

³ Crowe, Michael, and Jane Ridley

⁴ Satir, Virginia

⁵ Bray, James H.

⁶ Hetherington, E. Mavis, Martha Cox, and Roger Cox



طلاق پیوندی مستقیم با رضایت زناشوئی دارد. با کاهش رضایت زناشوئی در پیوند زن و شوهر، آنان به طلاق، هم‌چون راه چاره رو می‌آورند. البته باید گفت که آمار طلاق نشان‌دهنده‌ی شمار واقعی نارضایی در زناشوئی نیست و چه بسا زن و شوهرانی که از زنده‌گی زناشوئی خود راضی نیستند، ولی علل گوناگون اجتماعی و اقتصادی، آنان را به ادامه‌ی زنده‌گی وادار ساخته‌است. این گونه از زوجها از هم جدا نمی‌شوند، اما زنده‌گی پررنجی را در کنار هم سپری می‌کنند. بر پایه‌ی آمار صدای مشاوره، معاونت پیش‌گیری سازمان بهزیستی کشور، مشکلات زناشوئی نزدیک به ۴۷ درصد از کل مراجعه‌های این مرکز را در بر می‌گیرد (رضاخواه ۱۳۸۲). البته، در مراکز مشاوره، و مطب روان‌پزشکان و پزشکان نیز کسان بسیاری در پی کمک برای حل مشکلات زناشوئی خود هستند.

چارچوب نظری

در نگره‌ی سامانه‌ئی، هر عنصری (فرد) وابسته به محیط خود (خانواده) است و این محیط نیز، خود، بخشی از محیطی بزرگ‌تر است. در این روی‌کرد، هر بخش را باید بر پایه‌ی بسته‌گی‌اش با بخش‌های دیگر تعریف کرد. نگره‌ی سامانه‌ئی بر کنش‌ورزی دوسویه‌ی اعضای خانواده تکیه می‌کند. می‌توان برخی از ویژه‌گی‌های روابط زن و شوهر در این روی‌کرد را به این شکل دسته‌بندی کرد. زن و شوهر مهم‌ترین سامانه‌ی فرعی خانواده است، زن و شوهر، هر دو، تحت تأثیر محیطی بزرگ‌تر اند؛ مانند خویشاوندان، محیط کار، جای زنده‌گی، و مانند این‌ها که آن‌ها را در بر گرفته‌است. برای روشن ساختن پیوند زن و شوهر، باید الگوی چرخشی را به جای خطی به کار گرفت (یعنی آ به ب پایان نمی‌یابد و نباید در چرخه‌ی ارتباطی آنان به دنبال آغازکننده و مقصر گشت). مشکل میان زن و شوهر، برآمده از نوع کنش‌ورزی آنان و ساخته‌شده در طول زمان است (موسوی ۱۳۸۲).

همسران جایگاهی بنیادی در چرخه‌ی زنده‌گی دارند. آنان آرزوی پیوندی پایدار دارند، یا به همیشه‌گی بودن این پیوند امیدوار اند؛ ولی با دگرگونی‌های فراوانی که در خانواده رخ می‌دهد—مانند به دنیا آمدن فرزند، مدرسه رفتن او، و مانند این‌ها— معمولاً انتظار می‌رود که زن و شوهر راه‌هایی را برای با هم بودن و بر جا ماندن بیابند. بر جا ماندن زن و شوهر در کنار هم، در طول چرخه‌ی زنده‌گی، و

کانونی بودن. توان‌مندی نوآورانه‌ی اتحاد والدینی در بالنده‌گی خانواده‌ی سالم، بنیاد اندیشه‌ی روی‌کرد سامانه‌ئی را می‌سازد.

مفاهیم سامانه‌ئی، مانند سلسله‌مراتب، اتحاد، مرزها، قواعد خانواده، و قدرت، در روابط زن و شوهر اهمیتی فراوان دارد. از دیدگاه مفهومی، اتحاد والدین در بالاترین سطح سلسله‌مراتب است و آنان در جایگاه توان‌مندی و مسئولیت درباره‌ی یک‌دیگر و فرزندان با هم سهیم‌اند. توان‌مندی والدینی زمانی به ساده‌گی دریافته‌می‌شود که بایسته‌گی حفظ اتحاد صمیمانه‌ی جنسی همسران و جدا نگه داشتن فرزندان در هر سنی از این گستره مطرح شود. به هر رو، سویه‌های دیگری نیز از زنده‌گی خانواده‌گی هست که بهتر است زن و شوهر بدون درگیر کردن دیگران حل و فصل کنند؛ مانند کار، مدیریت مالی، و انضباط کلی فرزندان (کرو و ریدلی ۱۳۸۴).

مفهوم نزدیکی و فاصله با مفهوم اتحادها و مرزها پیوندی نزدیک دارد. نزدیکی یا صمیمیت زن و شوهر دست‌کم چهار ویژه‌گی دارد: پیوند جنسی صمیمانه؛ نزدیکی بدنی و ناگفتاری؛ هم‌حسی عاطفی (هیجانی)؛ و نزدیکی عملیاتی. بر پایه‌ی اندیشه‌ی سامانه‌ئی، باید پیرامون زن و شوهر مرزها نیرومند و روشن باشد. برای کارآئی بهتر اتحاد والدینی، باید فاصله‌ی متناسب میان والدین و فرزندان حفظ شود. برای اصلاح خانواده، باید مرزهای میان اعضای خانواده و به‌ویژه مرزبندی با زیرگروه والدینی را روشن و قواعد آن را نرمش‌پذیر کرد. درگیری‌های زناشویی اغلب برآمده از ناروشنی در مرزها است. ناپیدایی مرزها می‌تواند میان زن و شوهر یا میان یکی از آنها با خانواده‌ی اصلی‌اش باشد. هنگامی زن و شوهر می‌توانند درگیری‌های خود را در پیوندهایشان حل کنند که ناروشنی‌ها در مرزها روشن شود. قواعد حاکم میان زن و شوهر درباره‌ی نقش‌ها و انتظاراتها از نقش نیز می‌تواند یکی از زمینه‌های پیدایش درگیری میان زن و شوهر باشد.

قدرت و نوع تقسیم قدرت در پیوندهای زناشویی نیز از عوامل درگیری زناشویی است. در مواردی که تقسیم قدرت برابانه نیست، این کار می‌تواند به افسرده‌گی یکی از دو سو، به ویژه در زنان بیانجامد (مینوچین^۱ ۱۳۸۱).

درگیری و ناسازگاری در پیوند زن و شوهر می‌تواند برآمده از مهارت نابسندیده در پیوندسازی یا برآمده از ناتوانی در حل مؤثر مشکلات باشد (گلدن‌برگ و گلدن‌برگ^۲ ۱۹۹۶؛ موسوی ۱۳۸۲؛ هیلی^۳ ۱۳۶۵):

^۱ Minuchin, Salvador

^۲ Goldenberg, Irene, and Herbert Goldenberg

^۳ Haley, Jay



۱) در هر پیوندی ناسازگاری پیش می‌آید؛ از این رو، ناسازگاری‌های زناشویی نیز ناگزیر است؛ ۲) پیوند در دو لایه‌ی گفتاری و ناگفتاری روی می‌دهد؛ از مهم‌ترین ریشه‌های پدیدآیی اختلاف‌های زناشویی، ناهم‌آهنگی پیام‌ها در سطح گفتاری و ناگفتاری است؛ ۳) همسران در شیوه‌های پیوندسازی با یک‌دیگر یک‌سان نیستند و اگر تلاش نکنند این شیوه‌ها را بشناسند و به آن احترام گذارند، این ناهم‌سانی در شیوه‌ی پیوندسازی می‌تواند پایه‌ی ناسازگاری و کشمکش همیشه‌گی میان زن و شوهر باشد (گورمن و نیسکرن^۱ ۱۹۹۱).

هدف

یکی از پرسش‌های مطرح در این دوره این است که آیا کار کردن زنان همسردار، بیرون از خانه شایسته است یا نه؛ و کار کردن زنان چه تأثیری بر این گونه خانواده‌ها، پیوندهای زناشویی، و رضامندی زناشویی آنان دارد. امروزه، در دوسوم خانواده‌های دووالدی در غرب، زن و شوهر، هر دو، بیرون از خانه کار می‌کنند (هیف^۲ ۱۹۹۰). گر چه خانواده‌ی دودرآمدی برتری‌های فراوانی به‌ویژه برای زنان دارد، اما چالش‌های نوی را نیز به بار می‌آورد. در چنین شرایطی، این نوع خانواده‌ها باید الگوهای نوی را بیآفرینند (والش^۳ ۱۹۸۹).

بدین سان، در این نوشتار، با نگرش به اهمیت رضامندی زناشویی در پایداری آن و افزایش شمار زنان دانش‌آموخته و جویای کار در جامعه‌ی کنونی ایران، رضامندی از زنده‌گی زناشویی در سبوه‌های گوناگون آن و وضع زناشویی در زنان همسردار شاغل در مقایسه با زنان همسردار خانه‌دار در شهر تهران بررسی شده‌است.

با نگرش به هدف یادشده، پرسش‌های زیر در این پژوهش مطرح شد:

آ- آیا زنان شاغل بیش از زنان خانه‌دار از وضع زناشویی خود (در پرسش‌نامه‌ی گولوم‌بوک-راست) رضایت دارند؟

ب- آیا رضامندی زناشویی (در پرسش‌نامه‌ی /تریچ) در سبوه‌های ۱) تحریف آرمانی، ۲) رضایت زناشویی، ۳) مسائل شخصیتی، ۴) ارتباط، ۵) حل تعارض، ۶) مدیریت مالی، ۷) فعالیت‌های اوقات فراغت، ۸) پیوند جنسی، ۹) فرزندان و

¹ Gurman, Alan S., and David P. Kniskern

² Hayghe, Howard V

³ Walsh, Froma

فرزندپروری، ۱۰) خانواده و دوستان، ۱۱) نقش‌های برابری‌جویانه، و ۱۲) سوگیری مذهبی، در زنان شاغل بیشتر از زنان خانه‌دار است؟

روش

متغیرها

متغیر مستقل این پژوهش اشتغال و متغیرهای وابسته‌ی آن چنین است: وضعیت زناشویی (در پرسش‌نامه‌ی گولوم‌بوک-راست) و مقیاس‌های رضامندی زناشویی (در پرسش‌نامه‌ی انریچ) در سویه‌های تحریف آرمانی، مسائل شخصیتی، رضایت زناشویی، ارتباط، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، پیوند جنسی، فرزندان و فرزندپروری، خانواده و دوستان، نقش‌های برابری‌جویانه، و سوگیری مذهبی. متغیرهای کنترل پژوهش نیز تأهل و زمان تأهل (کم‌تر از ۵ سال) بوده‌است.

نمونه و شیوه‌ی انجام

۲۵ درصد طلاق‌ها در سه سال نخست زنده‌گی مشترک رخ می‌دهد (گلیک و کسلر^۱ ۱۹۸۰). باید به این واقعیت توجه داشت که خطر اختلاف‌های زناشویی در سال‌های آغازین زنده‌گی مشترک بیشتر است. از این رو، نمونه‌ی پژوهش به زنانی محدود شد که از ازدواج آنان یک تا پنج سال گذشته بود. کم‌ترین تحصیل زنان نمونه دیپلم و میانگین سال‌های ازدواج برای زنان شاغل ۲/۶۸ سال و برای زنان خانه‌دار ۲/۵۶ سال بود.

نمونه‌گیری به شکل تصادفی و با دو روش انجام شد. نخست زنان شاغل با روش تصادفی ساده از مراکز دولتی و غیردولتی گزیده شدند. برای نمونه، فرآیند گزینش زنان خانه‌دار چنین بود: نخست، مناطق ۲۲گانه‌ی شهری تهران در پنج گروه دسته‌بندی شد: شمال، جنوب، غرب، شرق، و مرکز شهر. سپس، فهرست مراکز بهداشتی و درمانی وزارت بهداشت و درمان فراهم آمد و در هر گروه شمال، جنوب، غرب، شرق، و مرکز شهر یک مرکز گزیده شد. برای دسترسی به نمونه‌ی سازگار با طرح، از رابطان بهداشتی (داوطلبان محلی) کمک گرفته شد که برای شناسایی زنان دارای شرایط و تشویق آنان برای شرکت در پژوهش، کمک فراوانی به گروه

¹ Glick, Ira D., and David R. Kessler



گردآورنده‌ی داده‌ها انجام دادند. نمونه‌ی این پژوهش دربرگیرنده‌ی ۴۰۰ زن همسر‌دار در شهر تهران بود که ۲۰۰ نفر آنان شاغل و ۲۰۰ نفر خانه‌دار بودند. هم‌چنین، تلاش شد تا جایی که بتوان شرایط زنان خانه‌دار با زنان شاغل هم‌سان‌سازی شود.

ابزارهای پژوهش

پرسش‌نامه‌ی سرشماری- این پرسش‌نامه‌ی پژوهش‌گرساخته برای گردآوری داده‌هایی در زمینه‌ی سن و تحصیلات زن و شوهر به کار رفت. هم‌چنین، قومیت، منبع درآمد خانواده، و میزان مشارکت زن و شوهر نیز با این پرسش‌نامه ارزیابی شد.

پرسش‌نامه‌ی وضعیت زناشویی گولومبوک-راست^۱- این پرسش‌نامه دارای ۲۸ گویه است که هر گویه‌ی آن چهار گزینه دارد: کاملاً مخالف؛ مخالف؛ موافق؛ و کاملاً موافق. پاسخ‌گو با توجه به تناسب هر جمله با وضع زناشویی خود یکی از گزینه‌ها را برمی‌گزیند. این پرسش‌نامه را راست و هم‌کاران^۲ (۱۹۹۸) ساخته‌اند که برای ارزیابی کیفیت پیوند زناشویی به کار می‌رود (کاوایی، موسوی، و محیط ۱۳۸۰). هر گویه بر پایه‌ی مثبت و منفی بودن محتوای آن برای وضعیت زناشویی نمره‌گذاری می‌شود. نمره‌ی کمتر نشان‌دهنده وضعیت زناشویی بهتر است. پایایی این پرسش‌نامه با ۳۶۰ نمونه و به دو روش نیمه کردن و ضریب آلفا سنجیده شده است که برآوردهای هر دو روش (۰/۸۱ تا ۰/۹۴) پایایی بالای پرسش‌نامه را نشان می‌دهد. روائی پرسش‌نامه نیز با ۲۴ زوج سنجیده شد که هم‌بستگی بالائی (۰/۹۱) میان بهبودی زوج‌ها و مقیاس درمان‌گر نشان داد (راست و هم‌کاران ۱۹۹۸).

بشارت (۱۳۸۰) در بررسی نمره‌های ترازشده‌ی آزمودنی‌ها در ۹ درجه بر حسب شدت و ضعف مشکلات، آلفای کرون‌باخ را ۰/۹۳ (۰/۹۲ برای زنان و ۰/۹۴ برای مردان) برآورد کرد که نشانه‌ی هم‌سانی پرسش‌نامه در نمونه‌ی ایرانی است. ضریب هم‌بستگی نمره‌های آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله‌ی دو هفته ۰/۹۴ (۰/۹۳ برای زنان و ۰/۹۵ برای مردان) به دست آمد که نشان‌دهنده‌ی پایایی بسیار خوب این پرسش‌نامه است.

پرسش‌نامه‌ی زناشویی انریچ^۳- این پرسش‌نامه با ۱۱۵ پرسش زمینه‌های مشکل‌دار پیوند زناشویی را ارزیابی می‌کند و در پژوهش‌های فراوان ابزاری معتبر برای بررسی رضایت‌مندی زناشویی شناخته شده است. پرسش‌نامه‌ی انریچ از ۱۲ خرده‌مقیاس

^۱ The Golombok-Rust Inventory of Marital State (GRIMS)

^۲ Rust, John, Ian Bennun, Michael Crowe, and Susan Golombok

^۳ ENRICH (Evaluating and Nurturing Relationship Issues, Communication and Happiness) Marital Inventory

ساخته شده است که نخستین خرده‌مقیاس پنج پرسش و مقیاس‌های دیگر هر کدام ۱۰ پرسش دارد. ۱۲ خرده‌مقیاس این پرسش‌نامه چنین است: تحریف آرمانی (پرسش‌های ۱ تا ۵)؛ رضایت زناشویی (پرسش‌های ۶ تا ۱۵)؛ مسائل شخصیتی (پرسش‌های ۱۶ تا ۲۵)؛ ارتباط (پرسش‌های ۲۶ تا ۳۵)؛ حل تعارض (پرسش‌های ۳۶ تا ۴۵)؛ مدیریت مالی (پرسش‌های ۴۶ تا ۵۵)؛ فعالیت‌های اوقات فراغت (پرسش‌های ۵۶ تا ۶۵)؛ پیوند جنسی (پرسش‌های ۶۶ تا ۷۵)؛ فرزندان و فرزندپروری (پرسش‌های ۷۶ تا ۸۵)؛ خانواده و دوستان (پرسش‌های ۸۶ تا ۹۵)؛ نقش‌های برابری‌جویانه (پرسش‌های ۹۶ تا ۱۰۵)؛ و سوگیری مذهبی (پرسش‌های ۱۰۶ تا ۱۱۵). هر یک از پرسش‌ها پنج گزینه دارد که نمره‌گذاری آن از چهار تا صفر است. بدین سان، بیش‌ترین نمره‌ی آزمودنی ۴۶۰ خواهد بود که نشانه‌ی بالاترین رضایت زناشویی است (برگرفته از ثنائی (۱۳۷۹)).

روائی ضریب آلفای خرده‌مقیاس‌های این پرسش‌نامه از ۰/۶۸ تا ۰/۸۶ بوده است. روائی ضریب هم‌بسته‌گی پرسش‌نامه‌ی انریچ با مقیاس‌های رضایت خانوادگی نیز از ۰/۴۰ تا ۰/۶۰ گزارش شده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

«آزمون T معمولی‌ترین و در عین حال پرکارترین ابزار آماری مورد استفاده در تجزیه و تحلیل تحقیقاتی است که با استفاده از روش علی-مقایسه‌ای انجام می‌گیرد.» (دلور ۱۳۸۰: ۴۰۳). برای مقایسه‌ی تفاوت میانگین‌های دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار، آزمون T در نرم‌افزار SPSS به کار رفت. همچنین از فراوانی، درصد، و خی‌دو برای بررسی آمار توصیفی استفاده شد.

یافته‌ها

سن

جدول ۱ میانگین سن زنان و شوهران را در دو گروه نمونه نشان می‌دهد. با به کار بردن آزمون T تفاوت میان سن زنان در دو گروه آشکار شد. با این که سن شوهران زنان شاغل بیشتر از زنان خانه‌دار بود ولی این تفاوت معنادار نبود ($p < 0/001$ و $t(398) = 3/36$).

فاصله‌ی سن زن و شوهر در گروه شاغل (۳/۳۹) نسبت به گروه زنان خانه‌دار (۴/۰۴) به یک‌دیگر نزدیک‌تر بود، اما این تفاوت به سطحی معنادار نرسید.



جدول ۱- میانگین و انحراف معیار سن زن و شوهر در دو گروه

گروه	تعداد	سن زن		سن شوهر	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
زنان خانه‌دار	۲۰۰	۲۶٫۸۳	۴٫۴۰	۳۰٫۸۷	۴٫۳۸
زنان شاغل	۲۰۰	۲۸٫۳۴	۴٫۷۱	۳۱٫۶۳	۴٫۶۵

تحصیلات

میزان تحصیلات زنان و شوهران در دو گروه نمونه در جدول ۲ به شکل فراوانی و درصد نمایش داده شده است. ۴ درصد زنان شاغل و ۱۱٫۵ درصد زنان خانه‌دار تحصیلاتشان از شوهرانشان کم‌تر بود.

جدول ۲- فراوانی و درصد تحصیلات زن و شوهر در دو گروه

تحصیلات	خانه‌دار		شاغل	
	شوهر فراوانی	درصد	شوهر فراوانی	درصد
زیر دیپلم	۰	٪۰٫۰۰	۰	٪۰٫۰۰
دیپلم	۱۸	٪۵۰٫۰۰	۱۰۰	٪۵۰٫۰۰
دانشگاهی	۱۵۹	٪۵۰٫۰۰	۱۰۰	٪۵۰٫۰۰
جمع	۲۰۰	٪۱۰۰٫۰۰	۲۰۰	٪۱۰۰٫۰۰

شمار فرزندان

جدول ۳ شمار فرزندان را در دو گروه زنان نشان می‌دهد. بسیاری از زنان فرزند نداشتند و اندکی برای داشتن دو کودک در ۵ سال نخست زنده‌گی تلاش کرده‌اند.

جدول ۳- فراوانی و درصد شمار فرزند در دو گروه

شمار فرزندان	خانه‌دار		شاغل	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
بدون فرزند	۱۵۳	٪۷۶٫۵۰	۱۱۵	٪۵۷٫۵۰
یک فرزند	۳۷	٪۱۸٫۵۰	۷۸	٪۳۹٫۰۰
دو فرزند	۱۰	٪۵٫۰۰	۷	٪۳٫۵۰
جمع	۲۰۰	٪۱۰۰٫۰۰	۲۰۰	٪۱۰۰٫۰۰

وضع درآمد خانواده

وضع درآمد خانواده‌ها در دو گروه از زنان در جدول ۴ آمده است. در بیش‌تر خانواده‌ها، مسئولیت مردان بیش‌تری در فراهم آوردن نیازهای مالی خانواده داشته‌اند.

در خانواده‌ی زنان شاغل، تنها در ۵ درصد نمونه‌ها، درآمد زن بیشتر از مرد بوده‌است که این میزان در خانواده‌ی زنان خانه‌دار ۲ درصد بود (این گروه از زنان بدون انجام کار درآمدهایی داشته‌اند، مانند اجاره‌ی خانه). ۸/۵ درصد از زنان شاغل و ۰/۵ درصد از زنان خانه‌دار درآمدی برابر با شوهران‌شان داشتند.

جدول ۴- فراوانی و درصد وضع درآمد خانواده در دو گروه

درآمد	خانه‌دار		شاغل	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
مرد بیشتر از زن	۱۹۵	۹۷/۵۰٪	۱۷۳	۸۶/۵۰٪
زن بیشتر از مرد	۴	۲/۰۰٪	۱۰	۵/۰۰٪
برابر	۱	۰/۵۰٪	۱۷	۸/۵۰٪
جمع	۲۰۰	۱۰۰/۰۰٪	۲۰۰	۱۰۰/۰۰٪

قومیت زن و شوهر

بیشتر همسران دو گروه از قومی یک‌سان بودند (جدول ۵)، یعنی ازدواج درون‌قومی انجام شده‌بود. با این همه، ۲۹/۵ درصد از زنان شاغل و ۲۰ درصد از زنان خانه‌دار ازدواج بین‌قومی انجام داده‌بودند.

جدول ۵- فراوانی و درصد وضعیت قومی زن و شوهر در دو گروه

قومیت	خانه‌دار		شاغل	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
یک‌سان	۱۶۰	۸۰/۰۰٪	۱۴۱	۷۰/۵۰٪
متفاوت	۴۰	۲۰/۰۰٪	۵۹	۲۹/۵۰٪
جمع	۲۰۰	۱۰۰/۰۰٪	۲۰۰	۱۰۰/۰۰٪

اشتغال و رضامندی از زنده‌گی زناشویی در سویه‌های متفاوت آن

داده‌های پژوهش در سویه‌های دیگر نشان داد که رضامندی زناشویی زنان شاغل (در ۶ مقیاس از ۱۲ مقیاس پرسش‌نامه‌ی انریچ) از زنان خانه‌دار بهتر است و تفاوت‌ها معنادار است (جدول ۶). زنان شاغل رضایت زناشویی بیشتری داشتند ($p = ۰/۰۲۸$ و $t(۳۹۸) = ۲/۲۱$)؛ شوهران خود را بهتر درک می‌کردند ($p = ۰/۰۰۳$ و $t(۳۹۸) = ۲/۹۹$)؛ مشکلات کم‌تری در زمینه‌ی مسائل شخصیتی شوهر داشتند ($p < ۰/۰۰۱$ و $t(۳۹۸) = ۳/۶۲$)؛ ارتباط‌شان با شوهرشان نیرومندتر بود ($p = ۰/۰۰۹$ و $t(۳۹۸) = ۲/۶۳$).



از پیوند جنسی‌شان راضی‌تر بودند ($p = 0/003$ و $t(398) = 3/03$)؛ و در محیط خانگی آنان نقش‌های زن و شوهر به هم نزدیک‌تر شده‌بود ($p < 0/001$ و $t(398) = 5/34$).

جدول ۶- میانگین و انحراف معیار (معناداری) مقیاس‌های پرسش‌نامه‌ی انریچ بر حسب اشتغال زنان متأهل

مقیاس‌های انریچ	شاغل (تعداد = ۲۰۰)		خانه‌دار (تعداد = ۲۰۰)	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
رضایت زناشویی*	۲۳/۱۶	۴/۷۵	۲۲/۰۷	۵/۱۶
تحریف آرمانی**	۱۳/۶۱	۳/۸۳	۱۱/۹۲	۸/۴۶
مسائل شخصیتی***	۲۲/۰۷	۸/۳۲	۱۹/۰۲	۸/۵۲
ارتباط**	۲۳/۸۲	۵/۸۶	۲۲/۱۴	۶/۸۵
پیوند جنسی**	۲۶/۱۸	۷/۶۶	۲۳/۸۷	۷/۵۸
نقش‌های برابری جویانه***	۱۸/۰۰	۷/۳۱	۱۴/۳۳	۶/۴۱

* $p < 0/05$
** $p < 0/01$
*** $p < 0/001$

جدول ۷ شدت و ضعف مشکلات زناشویی را از یک تا نه، فراوانی و درصد زنان شاغل، فراوانی و درصد زنان خانه‌دار، و نیز نمره‌ی خام آنان را برای مشخص ساختن وضعیت زناشویی (در پرسش‌نامه‌ی گولومبوک-راست) در دو گروه از زنان نمونه نشان می‌دهد. وضعیت زناشویی در گروه زنان شاغل از زنان خانه‌دار بهتر است ($x = 27/09$ و $df = 8$, $p = 0/001$).

جدول ۷- فراوانی و درصد وضعیت زناشویی زنان دو گروه (در پرسش‌نامه‌ی گولومبوک-راست)

وضعیت زناشویی	شاغل فراوانی		خانه‌دار فراوانی		نمره‌ی خام
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۹ بسیار وخیم	۲۱	۱۰/۵۰٪	۳۲	۱۶/۰۰٪	۴۷ یا بیش‌تر
۸ وخیم	۱۲	۶/۰۰٪	۱۵	۷/۵۰٪	۴۲ تا ۴۶
۷ بد	۲۰	۱۰/۰۰٪	۱۷	۸/۵۰٪	۳۸ تا ۴۱
۶ ضعیف	۲۲	۱۱/۰۰٪	۱۹	۹/۵۰٪	۳۴ تا ۳۷
۵ متوسط	۲۵	۱۲/۵۰٪	۲۲	۱۱/۰۰٪	۳۰ تا ۳۳
۴ بالای متوسط	۳۵	۱۷/۵۰٪	۲۴	۱۲/۰۰٪	۲۶ تا ۲۹
۳ خوب	۲۰	۱۰/۰۰٪	۳۲	۱۶/۰۰٪	۲۲ تا ۲۵
۲ خیلی خوب	۲۵	۱۲/۵۰٪	۲۴	۱۲/۰۰٪	۱۷ تا ۲۱
۱ تعریف‌نشده	۲۰	۱۰/۰۰٪	۱۵	۷/۵۰٪	۱۶ یا کم‌تر
جمع	۲۰۰	۱۰۰/۰۰٪	۲۰۰	۱۰۰/۰۰٪	

متأسفانه وضعیت زناشوئی در زنان جامعه‌ی نمونه پائین است. بسیاری از زنان وضعیت زناشوئی خود را بسیار وخیم و وخیم ارزیابی کردند. با این که میزان زنان شاغل دارای این وضعیت (۱۶/۵ درصد) از زنان خانه‌دار با این وضعیت (۲۳/۵ درصد) کم‌تر بود، اما این یافته نگرشی ویژه می‌خواهد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، سویه‌های متفاوت رضامندی از زنده‌گی زناشوئی در زنان شاغل و خانه‌دار شهر تهران بررسی شد. با توجه به جمعیت شهر تهران و مهاجرپذیر بودن آن از سراسر ایران، و وجود قومیت‌های گوناگون ایرانی در پایتخت، نتایج این پژوهش قابل‌توجه است. نتایج پژوهش نشان داد که اشتغال زن، باعث افزایش سن ازدواج شده و چنین می‌نماید که سن مردان در گروه زنان شاغل به سن همسران نزدیک‌تر شده‌است. هر چه تجربه‌های گذشته‌ی افراد به یک‌دیگر نزدیک‌تر باشد، آسان‌تر می‌توانند اندیشه‌ها، احساس‌ها، و جهان‌بینی یک‌دیگر را دریابند. کسانی که در یک دوره‌ی زمانی به دنیا می‌آیند، در یک فضا آموزش می‌بینند و رویدادهای اجتماعی همانندی را تجربه می‌کنند. نزدیکی سن می‌تواند به درک بهتر زن و شوهر از یک‌دیگر کمک کند و پیوندی دوستانه میان‌شان پدید آورد (گوپتا^۱ ۱۹۷۶).

یافته‌های جمعیتی نمونه، درباره‌ی شمار فرزندان، نشان داد که بیش‌تر همسران در نخستین سال‌های زناشوئی، گرایشی به فرزنددار شدن ندارند. در گذشته، معمولاً زنان و مردان، پس از ازدواج، هیچ ابزاری را برای پیش‌گیری از بارداری به کار نمی‌گرفتند (با این پنداشت که شاید به‌کارگیری ابزارهای پیش‌گیری ناباروری پدید آورد، یا این که به دنیا آمدن یک بچه می‌تواند ازدواج را پایدارتر سازد) و پس از یک تا دو سال نخستین فرزند به دنیا می‌آمد. در این پژوهش اما، با این که میانگین سال‌های زناشوئی نمونه‌ها بیش از دو سال و نیم بود، ولی بیش از نیمی از آنان فرزند نداشتند. چنین می‌نماید که نگاه زن و مرد در شهر تهران به ازدواج دگرگون شده‌است. آنان دیگر عجله‌ئی برای داشتن فرزند ندارند و با آن را پیش‌گیری به تعویق می‌اندازند. این گونه می‌نماید که همسران بیش‌تر به دنبال هم‌آهنگی با یک‌دیگر اند. هم‌چنان که برخی پژوهش‌گران نشان داده‌اند، بیش‌ترین رضایت زناشوئی

¹ Gupta, Giri Raj



زنان، پیش از به دنیا آمدن نخستین فرزند و پس از رفتن فرزندان از خانه است (میشل^۱ ۱۳۵۴؛ سیف ۱۳۶۸؛ سلیمانیان ۱۳۷۳؛ موسوی ۱۳۸۲). زنان جامعه‌ی ما نیز با طولانی کردن زمان پیش از به دنیا آوردن فرزند، در واقع می‌خواهند به درکی بهتر از این دوران دست یابند. هم‌چنین شاید زن و مرد به فرزند به سان پایدارکننده‌ی زناشوئی نمی‌نگرند و نخست می‌خواهند از پایداری زنده‌گی زناشوئی خود مطمئن شوند. به هر رو، زنان شاغل به دلیل بالاتر بودن سن‌شان از به زنان خانه‌دار، گرایش بیشتری به داشتن فرزند نشان دادند.

اگر چه بیشتر مسئولیت درآمدزایی خانواده‌ها بر دوش مرد است، اما این تناسب در خانواده‌های زنان شاغل در حال دگرگون شدن است. در یک‌هشتم خانواده‌ها، درآمد زنان شاغل برای اداره‌ی خانواده برابر با مرد یا بیشتر از او است. هم‌چنین، یک‌پنجم زنان خانه‌دار و بیشتر از یک‌چهارم زنان شاغل به ازدواج‌های بین‌قومی گرایش یافته‌اند. آموزش دربارہ‌ی تفاوت فرهنگی در قومیت‌های نایک‌سان و چه‌گونه‌گی احترام گذاردن به این تفاوت از سوی زن و مرد، می‌تواند به استوار ساختن زنده‌گی زناشوئی کمک کند.

بسیاری از دانش‌مندان (بارنت و ریورز^۲ ۱۹۹۸؛ گالینسکی^۳ ۱۹۹۹) در این نگرش هم‌سو اند که برعکس دیدگاه عامه‌ی مردم، اجتماع، اعضای خانواده‌هایی با مادران شاغل وضعی بهتر دارند و این گونه خانواده‌ها برای اعضای خود سودمندتر اند. یافته‌های این پژوهش نشان داد رضامندی زناشوئی، در برخی از سوبه‌های آن، در زنان شاغل از زنان خانه‌دار بیشتر است. گلدن‌برگ و گلدن‌برگ (۱۹۹۶) نیز نشان دادند که رضایت زناشوئی هم‌بسته‌گی مثبتی با اشتغال دارد. نزدیکی زن و شوهر از دیدگاه فرهنگی و اجتماعی درک تجربه‌های روزانه‌ی آن‌ها را از یک‌دیگر افزایش می‌دهد و بخت رضایت زناشوئی و بالنده‌گی فردی‌شان را افزایش می‌دهد. این زنان، هم‌چنین از ویژه‌گی‌های همسر خود راضی‌تر بودند. شاید سن بالاتر در زمان ازدواج، و در نتیجه تجربه‌ی بیشتر در زنده‌گی، کمک بیشتری در شناخت بهتر همسر و گزینش شایسته‌تر این زنان کرده‌باشد.

یافته‌ی این پژوهش، هم‌چنین، با یافته‌های رشک^۴ (۱۹۸۷) هم‌آهنگ است که نشان داد میزان طلاق در میان کسانی که دیرتر ازدواج می‌کنند کم‌تر است.

^۱ Michel, Andrée

^۲ Barnett, Rosalind C., and Caryl Rivers

^۳ Galinsky, Ellen

^۴ Raschke, Helen J

همچنین، طلاق در میان کسانی که شخصیتی پخته‌تر دارند و ظرفیت روانی آنان بالاتر است کم‌تر دیده می‌شود. زنان شاغل با داشتن تجربه و مهارت‌های بین‌فردی بیش‌تری که از کار کردن به دست آورده‌اند، می‌توانند پیوندی بهتر با شوهران خود داشته‌باشند (گلدن‌برگ و گلدن‌برگ ۱۹۹۶). یافته‌های این پژوهش نیز با پژوهش‌های یادشده هم‌سو است. بدین سان، رضایت زناشویی بیش‌تر احتمال موفقیت ازدواج را افزایش می‌دهد.

رضایت جنسی و اهمیت آن در پایداری ازدواج در پژوهش‌های دیکسون^۱ (۱۹۹۱) و کرو^۲ (۱۹۸۸) نشان داده شده‌است. پژوهش‌گران و درمان‌گران در مسائل زناشویی، کیفیت پیوند جنسی میان زن و شوهر را مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده‌ی رضایت زناشویی می‌دانند (دیکسون ۱۹۹۱). در واقع، رضایت از پیوند جنسی، به حفظ پیوند زناشویی پایدار کمک می‌کند. زنان شاغل از پیوند جنسی بیش از زنان خانه‌دار رضایت داشتند و بدین سان، بازتاب این رضایت، رضایت شوهران را نیز در این باره افزایش می‌دهد.

پژوهش‌ها همچنین نشان داده‌است که رضایت زناشویی هم‌بسته‌گی مثبتی با تقسیم کار در خانه و نگاه‌داری از فرزندان دارد (زونکوویچ و هم‌کاران^۳ ۱۹۹۶). یافته‌های این پژوهش نیز نشان می‌دهد که زنان شاغل از نقش‌های برابری‌جویانه رضایت داشتند. مردان در این خانواده‌ها مسئولیت خانه را منصفانه‌تر تقسیم می‌کنند و بدین سان زنان خرسندتر اند. در واقع، ساختار خانواده در این گونه خانواده‌ها دگرگون شده‌است و زن و مرد توانایی انجام هر دو نقش را به دست آورده‌اند و می‌توانند مسئولیت‌های یک‌دیگر را به‌خوبی پوشش دهند و جای خالی یک‌دیگر را پر کنند. این نشان می‌دهد که اشتغال تأثیر خوبی بر ساختار خانواده دارد و خانواده به سوی تقسیم کار منصفانه در انجام کارهای خانه و همچنین هم‌پوشی نقش‌های زن و مرد پیش رفته‌است.

یافته‌های پژوهش تفاوت معناداری میان دو گروه در حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، فرزندان و فرزندپروری، خانواده و دوستان، و سوگیری مذهبی نشان نداد.

با نگاه به یافته‌های وضعیت زناشویی، تفاوت دو گروه نشان داد که زنان خانه‌دار رضایت زناشویی کم‌تری از زنان شاغل دارند؛ ولی نگاهی باریک‌بینانه‌تر به

¹ Dixon, David N.

² Crowe, Michael J.

³ Zvonkovic, Anisa M., Kathleen M. Greaves, Cynthia J. Schmiede, and Leslie D. Hall



یافته‌های این پژوهش (نمره‌ی پرسش‌نامه‌ی گولوم‌بوک-راست)، این واقعیت تلخ را هویدا ساخت که وضعیت زناشوئی در نمونه‌ی این پژوهش به هیچ روی رضایت‌آمیز نیست. نزدیک به یک‌ششم زنان شاغل و یک‌چهارم زنان خانه‌دار ازدواج خود را وخیم و بسیار وخیم گزارش کردند که به احتمال زیاد نیازمند زوج‌درمانی جدی اند تا در سال‌های آینده با افزایش بیشتر طلاق روبه‌رو نشویم.

باید افزود آزمودنی‌های زن در این پژوهش، به پرسش‌نامه‌ها چنین خرده‌گرفتند که در آن‌ها پرسشی درباره‌ی خشونت خانگی (توهین، تحقیر، دشنام، و نیز سوءاستفاده‌ی فیزیکی شوهر) گنجانده نشده‌است. چنین می‌نماید که میزان همسرآزاری در جامعه کم نیست که تأیید یا رد آن به پرسش‌های کیفی و کمی بیشتری نیاز دارد.

رضامندی زناشوئی عاملی مهم در حفظ و پایداری ازدواج به شمار می‌رود. با نگرش بیشتر به ریشه‌های نارضایی زناشوئی در زن و شوهر، می‌توان از طلاق در سال‌های آینده پیش‌گیری کرد. زنان شاغل رضایت زناشوئی بیشتری از زنان خانه‌دار دارند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان شاغل، به‌ویژه آنان که کارهایی با زمان دگرگونی‌پذیر یا نیمه‌وقت دارند (خسروی ۱۳۸۲)، به دلیل زمان کار کم‌تر و هم‌آهنگی بیشتر آن با نقش‌های دیگر، از کار خود راضی‌تر اند. ۴۷ درصد زنان شاغل در ایران به کار آموزش اشتغال دارند (توسلی ۱۳۸۲). بیشتر زنان دانش‌آموخته‌ی ایرانی به کارهای آموزشی می‌پردازند، زیرا این گونه کارها مزاحمت کم‌تری برای انجام وظایف همسری و مادری دارد. مشارکت اعضای خانواده در خانواده‌ی زنان شاغل از زنان خانه‌دار بیشتر است و این مشارکت به استقلال فرزندان خانواده کمک می‌کند. ساختار خانواده‌ی زنان شاغل در حال دگرگونی است و نقش‌های زن و مرد در این خانواده‌ها به یک‌دیگر نزدیک‌تر شده‌است.

برای دستیابی به نمایه‌ی روشن‌تر از رضامندی و وضعیت زناشوئی زنان و مردان ایرانی، به بررسی‌های بیشتری در این باره نیاز داریم. اما به هر رو، یافته‌های این پژوهش را می‌توان در برنامه‌های آموزشی رسانه‌های گروهی به کار گرفت. از سوی دیگر، به‌کارگیری یافته‌های این پژوهش در آموزش مشاوران و روان‌شناسان، و نیز در کارهای بالینی سودمند خواهد بود.

منابع

- ۱- بشارت، محمدعلی. ۱۳۸۰. «بررسی رابطه‌ی سبک‌های دل‌بسته‌گی با مشکلات زناشویی در زوجین نابارور». *تازه‌های روان‌درمانی* ۵(۱۹-۲۰): ۵۵-۶۶.
- ۲- توسلی، غلامعباس. ۱۳۸۲. «آیا می‌توان بین کار زن در خانه و کار بیرون آشتی برقرار کرد؟» *مطالعات زنان* ۱(۲): ۳-۲۶.
- ۳- ثنائی، باقر. ۱۳۷۹. *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: انتشارات بعثت.
- ۴- خسروی، زهره. ۱۳۸۲. «بررسی عوامل فشارآفرین شغلی و تعیین عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی رضایت شغلی اعضای هیئت علمی دانشگاه الزهرا». *مطالعات زنان* ۱(۳): ۸۹-۱۲۴.
- ۵- دلاور، علی. ۱۳۸۰. *مبانی نظری و عملی پژوهش*. تهران: انتشارات رشد.
- ۶- رضاخو، علی‌کبر. ۱۳۸۲. «نقش بازآموزی اسنادی بر سبک اسناد و افزایش رضامندی زناشویی در زوج‌های ناسازگار». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، تهران.
- ۷- ستیر، ویرجینیا. ۱۳۷۸. *آدم‌سازی در روان‌شناسی خانواده*. برگردان بهروز بیرشک. تهران: انتشارات رشد.
- ۸- سلیمانیان، علی‌کبر. ۱۳۷۳. «بررسی تاثیر تفکرات غیرمنطقی بر اساس روی‌کرد شناختی بر نارضایتی زناشویی». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، تهران.
- ۹- سیف، سوسن. ۱۳۶۸. *تئوری رشد خانواده*. تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.
- ۱۰- کاویانی، حسین، اشرف‌سادات موسوی، و احمد محیط. ۱۳۸۰. *مصاحبه و آزمون‌های روانی*. تهران: سنا.
- ۱۱- کرو، مایکل، و جین ریدلی. ۱۳۸۴. *زوج‌درمانی کاربردی*. برگردان اشرف‌سادات موسوی. تهران: انتشارات مهر کاویان.
- ۱۲- موسوی، اشرف‌سادات. ۱۳۸۲. *خانواده‌درمانی کاربردی با روی‌کرد سیستمیک*. تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.
- ۱۳- موسوی چلک، سیدحسن. ۱۳۸۲. «تحلیل کمی ازدواج و طلاق در ایران» مقاله‌ی ارائه‌شده در نخستین کنگره‌ی سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، ۲۸-۳۰ اردی‌بهشت ۱۳۸۲، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ۱۴- میشل، آندره. ۱۳۵۴. *جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج*. برگردان فرنگیس اردلان. تهران: انتشارات دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۱۵- مینوچین، سالوادور. ۱۳۸۱. *خانواده و خانواده درمانی*. برگردان باقر ثنائی. تهران: امیرکبیر.
- ۱۶- هیلی، جی. ۱۳۶۵. *روان‌درمانی خانواده*. برگردان باقر ثنائی. تهران: امیرکبیر.



- 17- Barnett, Rosalind C., and Caryl Rivers. 1998. *She Works/He Works: How Two-income Families are Happy, Healthy, and Thriving*. Cambridge, MA, USA: Harvard University Press.
- 18- Bray, James H. 1991. "Psychosocial Factors Affecting Custodial and Visitation Arrangements." *Behavioral Sciences and the Law* 9(4):419-437.
- 19- Crowe, Michael J. 1988. "Indications for Family, Marital, and Psychosexual Therapy." Pp. 51-77 in *Handbook of Behavioral Family Therapy* edited by Tan R. H. Falloon. New York, NY, USA: Guilford Press.
- 20- Dixon, David N. 1991. "Dysfunctional Cognitions and Marital Satisfaction: A Multidimensional Analysis." Paper presented at the 99th Annual Convention of the American Psychological Association, 16-20 August 1991, San Francisco, CA, USA.
- 21- Glick, Ira D., and David R. Kessler. 1980. *Marital and Family Therapy*. New York, NY, USA: Grune and Stratton.
- 22- Galinsky, Ellen. 1999. *Ask the Children: What America's Children Really Think about Working Parents*. New York, NY, USA: William Morrow.
- 23- Goldenberg, Irene, and Herbert Goldenberg. 1996. *Family Therapy: An Overview*. 4th Edition. Pacific Grove, CA, USA: Brooks/Cole.
- 24- Gupta, Giri Raj. 1976. "Love, Arranged Marriage, and the Indian Social Structure." *Journal of Comparative Family Studies* 7(1):75-85.
- 25- Gurman, Alan S., and David P. Kniskern. 1991. *Handbook of Family Therapy*. New York, NY, USA: Brunner/Mazel.
- 26- Hayghe, Howard V. 1990. "Family Members in the Work Force." *Monthly Labor Review* 113(3):14-19.
- 27- Hetherington, E. Mavis, Martha Cox, and Roger Cox. 1985. "Long-term Effects of Divorce and Remarriage on the Adjustment of Children." *Journal of the American Academy of Child Psychiatry* 24(5):518-530.
- 28- Raschke, Helen J. 1987. "Divorce." Pp. 597-624 in *Handbook of Marriage and the Family* edited by Marvin B. Sussman, and Suzanne K. Steinmetz. New York, NY, USA: Plenum Press.
- 29- Rust, John, Ian Bennun, Michael Crowe, and Susan Golombok. 1998. *The Golombok-Rust Inventory of Marital State*. Windsor, UK, USA: NFER-Nelson Publishing Co., Ltd.
- 30- Sager, Clifford J. 1976. *Marriage Contracts and Couple Therapy: Hidden Forces in Intimate Relationships*. New York, NY, USA: Brunner/Mazel.
- 31- Walsh, Froma. 1989. "Reconsidering Gender in the Marital Quid pro Quo." Pp. 267-285 in *Women in Families: A Framework for Family Therapy* edited by Monica McGoldrick, Carol M. Anderson, and Froma Walsh. New York, NY, USA: W. W. Norton.
- 32- Zvonkovic, Anisa M., Kathleen M. Greaves, Cynthia J. Schmiege, and Leslie D. Hall. 1996. "The Marital Construction of Gender through Work and Family Decision: A Qualitative Analysis." *Journal of Marriage and the Family* 58(1):91-100.

نویسنده

دکتر اشرف‌سادات موسوی،

استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا
as.mousavi@uso.com

دانش‌آموخته‌ی دکترای روان‌شناسی خانواده، ۱۹۹۸، انستیتو روان‌پزشکی لندن، انگلستان.
وی در زمینه‌های مشاوره‌ی پیش از ازدواج، زوج‌درمانی، و مشاوره‌ی خانواده تدریس کرده‌است.
کارهای پژوهشی وی در زمینه‌های موانع ازدواج، رضایت زناشویی، علل طلاق، و انگیزه‌ی ارتباط با
جنس مخالف بوده‌است.
از وی هم‌چنین کتاب‌های زیر چاپ شده‌است:
خانواده‌درمانی؛ زوج‌درمانی کاربردی؛ کودکی در جست‌وجوی کمک؛ روبی و ترس‌هایش؛ کودک و
روان‌شناسی (آشنایی خانواده و کودک با روند درمان)؛ کتاب مصاحبه و آزمون‌درمانی.

Archive of SID